

مطالعه کیفی علت‌های تعارض در خانواده

نادر رازقی^۱

اصلی اسلامی^۲

پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۰۷/۲۷

دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۴/۰۲

چکیده

سؤال اصلی پژوهش این است که چه دلایل، شرایط و زمینه‌هایی سبب ایجاد تعارض خانواده می‌شود و این تعارضات چه پیامدهایی برای نظام خانواده دارد. روش پژوهش مورد استفاده در این تحقیق، تئوری زمینه‌ای است. داده‌ها از طریق مصاحبه کیفی عمیق با ۲۰ نفر از افراد ۲۳ تا ۴۵ ساله با تحصیلات دیپلم تا کارشناسی ارشد در شهر قائمشهر به شیوه نمونه‌گیری نظری و هدفمند جمع‌آوری شده است. بر اساس یافته‌ها می‌توان بیان کرد که تفاوت‌های فردی و اجتماعی، دخالت اطرافیان، نبود مهارت‌های ارتباطی و مسائل اقتصادی از جمله شرایط و علل اصلی در بروز تعارض خانوادگی مؤثر است. در کنار این علل، شرایط و زمینه‌های دیگری نظیر برآورده نشدن نیازها و نارضایتی در روابط عاطفی و زناشویی در بروز تعارض خانوادگی مؤثر است. مطالعه هم‌چنین نشان می‌دهد پیامد چنین تعارض به درگیری لفظی و جسمی، کاهش سرمایه اجتماعی و نهایتاً بی‌اعتنایی و طلاق عاطفی منجر خواهد شد.

کلید واژه‌ها: تعارض خانواده، روابط زناشویی، دخالت اطرافیان در خانواده، طلاق عاطفی.

razeghi@umz.ac.ir

۱ - نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران

۲ - دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات جوانان، دانشگاه مازندران

مقدمه

خانواده یکی از مهمترین نهادهای اولیه و حیاتی بشری است که تثبیت و تضمین سلامت فرد و بقای جامعه در این کانون شکل می‌گیرد. افراد هر جامعه نه تنها از نظر جسمی و زیستی، بلکه از نظر عاطفی - روانی و شخصیتی نیز تحت تأثیر خانواده قرار دارند؛ چرا که نهاد خانواده جایگاهی است که فرد می‌تواند با تکمیل شخصیت خویش، آماده پذیرش نقشهای اجتماعی گردد (ریاحی، علیپوردی، کاکاوند، ۱۳۸۶). بروز اختلاف و عدم تفاهم در خانواده شایع است و به‌طور طبیعی در همه زمینه‌های شغلی، تحصیلی، خانوادگی، ازدواج و در سطح فردی و جمعی، تعارض رخ می‌دهد؛ بنابراین روابط خانوادگی نیز از این امر مستثنا نیست. برای همین باید گفت، امروزه، بیشتر خانواده‌ها در جهان به نوعی تعارض را تجربه می‌کنند (کامینگز، ۲۰۰۰). تعارض به این معناست که فرد بین اهداف، نیازها یا امیال شخصی خود و طرف مقابلش ناهمسازی و ناهمخوانی می‌بیند. تعارض خانوادگی زمانی اگر شدت یابد، سبب خشم، دشمنی، کینه، نفرت، حسادت و سوء رفتار کلامی و فیزیکی در روابط خانواده می‌شود و حالتی غیرعادی به خود می‌گیرد (کالین و سیوجیوک^۱، ۲۰۰۹).

تعارضات زناشویی و طلاق، تهدیدهایی جدی برای پیوندهای خانوادگی است که ثبات و کیفیت ازدواج را به چالش می‌کشد و باعث بروز پیامدهای منفی روانی، جسمانی، اجتماعی و اقتصادی می‌شود. تأثیر منفی بر سلامت جسمانی، افسردگی و بهره‌وری کم در کار از جمله پیامدهای آن به شمار می‌رود (مارکمان، استنلی و بلومبرگ^۲، ۱۹۹۴). گیف و براین^۳ (۲۰۰۰) بر این باورند که فرایند تعارض زناشویی زمانی به وجود می‌آید که یکی از طرفین رابطه احساس کند طرف مقابلش بعضی از مسائل مورد علاقه او را سرکوب می‌کند.

امروزه به دنبال تحولات سریع اقتصادی و اجتماعی جوامع، تغییرات زیادی در ساختار خانواده، ارزشها و اهداف آن به وجود آمده است. پیوند میان زن و مرد بویژه در ازدواج سنتی، عمدتاً بر اساس نقشهای ثابت بود. اگر شما زن بودید، می‌دانستید که چه سرنوشتی در انتظارتان است و می‌شد زندگی خانگی و خانوادگی را برای خود پیش‌بینی کنید. نقش اساسی مرد نیز نان‌آوری برای خانه بوده است؛ یعنی مرد در بیرون از خانه کار می‌کرد و هزینه خانواده از همین

1 - Callian & Siewgeok
2 - Markman, Stanley & Blumberg
3 - Greeff & Bruyne

طریق تأمین می‌شد. اما در طول حدود یک نسل، تمام اینها تغییر کرده است و نقش زن و مرد آن‌چنانکه در گذشته ثابت و مشخص بود، ثابت نیست. جمعیت قابل توجهی از زنان شاغل شده‌اند و این بدین معناست که زن بودن و مرد بودن از نظر وظایف و هویت‌هایی که ایجاب می‌کند، معنای روشن و مشخصی ندارد (گیدنز^۱، ۱۳۸۴: ۱۲۵). علاوه بر این افزایش فرصتهای آموزشی و شغلی برای زنان، چالشهای جدی نسبت به هنجارهای سنتی حاکم بر روابط جنسیتی در محل کار و خانواده را ایجاد کرد. رسانه‌های جمعی، تغییر ذائقه را در سبک زندگی افراد به وجود آورده که نهاد خانواده نیز تحت تأثیر این تحولات است. تغییر جایگاه زن از حالت نقشهای سنتی با افزایش زنان تحصیل کرده و ورود آنان به عرصه اجتماع و اشتغال، زمینه‌ساز تنشهایی در ساختار روابط خانوادگی سنتی با حاکمیت پدرسالارانه شد. در روابط والدین و فرزندان هم با رشد فردگرایی و گرایش جوانان به فاصله گرفتن از محیط خانواده، تعارضاتی بین فرزندان و والدین به وجود آورد که از پیامدهای آن می‌توان به شکل‌گیری محیطی تنش‌زا در خانواده اشاره کرد که بر روح و روان خانواده و فرزندان تأثیرات زیانباری می‌گذارد که ثمره آن تحمل یا فرار از خانواده است. پیامد تعارضات خانوادگی به اعضای خانواده محدود نمی‌شود و سایر نهادهای اجتماعی و حتی اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. زوجهایی که یا مجبورند به دلیل فرزندان تحمل کنند و به زندگی پرتنش و آشوب خود ادامه دهند و یا از یکدیگر جدا شوند. خانواده‌های کشور ما هم از این امر مستثنی نیستند.

براساس آمار سازمان ثبت احوال کشور، آمار طلاق کشور از سالهای گذشته تاکنون همواره سیر صعودی داشته است و در سال جاری تا پایان شهریور سال ۱۳۹۴ از هر ۴/۴ ازدواج یکی از آنها به طلاق منجر می‌شود (گزارش سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۴). صرف نظر از طلاق ثبت شده، ازدواجهای ناموفق زیادی هست که به دلایل مختلف با همه تعارضات، زن و شوهرها ممکن است به جدایی مایل نباشند. این تعارضات و ناسازگاریها چه به طلاق بینجامد و چه نینجامد، خود نشان از تعارض، آشفتگی‌های خانوادگی و اختلال در وظایف والدین و اختلال در روابط اجتماعی خانواده است.

نظر به اهمیت خانواده و جایگاه آن به عنوان "مایه آرامش" در فرهنگ ما، هم‌چنین تأکید قانون اساسی بر اهمیت و قداست این نهاد مهم و اولیه، ضروری است دلایل اختلال و تعارضات

در خانواده مورد ارزیابی دقیق علمی قرار گیرد؛ چرا که همان گونه که آنتونی گیدنز یکی از جامعه شناسان مشهور معاصر بیان می کند، تعارضات خانواده، تهدید جدی استحکام جامعه و نظام اجتماعی است (گیدنز، ۲۰۰۳). با آشکار شدن دلایل بروز تعارض در خانواده و پیامدهای زیانبار آن با آگاه سازی خانواده ها، پیشگیری و مداخلات درمانی می توان، بنیان خانواده را استحکام بخشید. هر چه خانواده مستحکم تر باشد، جامعه ثبات و دوام بهتری می یابد.

این پژوهش با رهیافت روش کیفی و بر اساس نظریه مبنایی، دلایل، شرایط و عوامل و پیامدهای تعارض در خانواده را مورد مذاقه قرار خواهد داد و سعی می کند به این پرسش پاسخ دهد که چه علل، زمینه ها و شرایطی موجب تعارض در خانواده می شوند و چه پیامدهایی را برای خانواده در بر دارد.

پژوهشگران متعددی در داخل و خارج کشور به بررسی تعارض در خانواده پرداخته و به علل ریشه ها و بویژه پیامدها و عوارض فردی، خانوادگی و اجتماعی آن توجه کرده اند.

پژوهش باستانی، گلزاری و روشنی در سال ۱۳۸۹ از طریق مصاحبه عمیق با بیست نفر از زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره تهران با روش نظریه مبنایی نشان داد که پیچیدگی و تنوع تجربیات زنان در ابعاد مختلف روانی، فرهنگی و اجتماعی در طلاق عاطفی و شرایط میانجی از جمله دخالت خانواده ها، ناهمگونی خانواده و غیره در بروز طلاق عاطفی تأثیر گذار بوده است (باستانی و گلزاری و روشنی، ۱۳۸۹).

نتایج تحقیق فرشاد بهاری، مریم فاتحی زاده، سید احمد احمدی، حسین مولوی، فاطمه بهرامی در سال ۱۳۹۰، که با روش پژوهشی شبه آزمایشی از نوع پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل بر روی ۴۴۰ زوج مرکز مداخله در بحران شهر اصفهان انجام شد، نشان می دهد که برنامه آموزش و مداخله مهارت های ارتباطی در کاهش تعارض بین زوجها مؤثر بوده است (بهاری و همکاران، ۱۳۹۰).

عنایت و یعقوبی دوست در سال ۱۳۹۱ رابطه بین تعارض زناشویی با خشونت خانگی والدین را نسبت به دختران نوجوان شهر اهواز با روش پیمایشی با نمونه ای ۳۸۴ نفر مورد بررسی قرار داده اند. بر اساس یافته های این پژوهش بین متغیر کل تعارض زناشویی با خشونت والدین نسبت به دختران رابطه معناداری وجود دارد. هم چنین، بین ابعاد تعارض زناشویی (کاهش همکاری زوجین، افزایش واکنش های هیجانی، جلب حمایت فرزندان، رابطه با خویشاوندان و دوستان همسر) با خشونت والدین به دختران همبستگی معناداری وجود دارد. نتایج این پژوهش، حاکی است که بین

تعارض زناشویی با ابعاد خشونت خانگی (جسمی، عاطفی، غفلت) والدین نسبت به دختران رابطه معناداری وجود دارد (عنایت و یعقوبی دوست، ۱۳۹۱).

صادقی فسایی و ملکی‌پور در سال ۱۳۹۲ به تحلیل جنسیتی فاصله در روابط زوجین پرداختند. آنها با مصاحبه عمیق نیمه ساخت یافته از ۲۲ زن و ۲۱ مرد نشان داده‌اند که صورتهای متفاوت فاصله در روابط زوجین هست که می‌توان آنها را با عنوان فاصله معطوف به انتخاب، فاصله معطوف به تعارض، و فاصله معطوف به موقعیت دسته‌بندی کرد. در حالی که بعضی از صورتهای فاصله ممکن است موجب گسستگی در روابط زوجین شود، فاصله معطوف به انتخاب و صورتهای دیگری از فاصله می‌تواند به قوام و استحکام روابط منجر شد.

قاسمی و ساروخانی، ۱۳۹۲ پژوهشی را با روش کمی درباره عوامل مرتبط با طلاق در زوجین متقاضی طلاق توافقی ۳۶۹ نفر از زوجین متقاضی طلاق توافقی در کرمانشاه انجام داده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد بیشترین عوامل طلاق زوجین به عواملی نظیر ضرب و شتم، دخالت اطرافیان، بی‌توجهی، اعتیاد، سوء ظن و بدبینی، دروغ‌گویی و خیانت و تنفر و نداشتن علاقه مربوط بوده است.

کینستون و هولمز^۱ در سه مطالعه‌ای که در منطقه شهری کلیولند، اوهایو آمریکا در سال ۱۹۹۲ بر روی گروهی از افراد طلاق گرفته انجام داده‌اند نشان دادند که تعهد افراطی به کار، مشکل با خانواده همسر، رابطه جنسی فرا زناشویی، مشکلات جنسی، نبود حمایت اقتصادی، بی‌اعتمادی، ناپختگی، نبود ارتباط، سبب فروپاشی خانواده خواهد شد.

مولینا^۲ در سال ۲۰۰۱ پژوهشی با عنوان "تجربه طلاق در زنان آمریکایی - آفریقایی" انجام داده است. یافته‌ها نشان داد زنان با مشکلات مالی و احساسی روبه‌رو می‌شوند که ناشی از حقوق کم، نبود حمایت فرزندان و نبود نفقه (کمبود خرجی) است.

آماتو و پرویتی^۳ در سال ۲۰۰۳ سوء مصرف الکل و مواد مخدر، ناسازگاری، خیانت و رشد ناموزون را موجب فروپاشی خانواده ذکر کرده است.

به باور اوبری همیلتون (۲۰۱۳) بین عوامل محیطی چون "شادی، رضایت، تقسیم عادلانه کارهای منزل و منصفانه پول خرج کردن" و تعارض زناشویی ارتباط وجود دارد. زوجینی که

1 - Kitson & Holmes

2 - Molina

3 - Amato & Previti

رضایت کمتری دارند و شاد نیستند، احتمال بیشتری برای تعارض بین آنها وجود دارد این در حالی است که زوجینی که شاد و راضی از ازدواج خود هستند، بیشتر با یکدیگر وقت می‌گذرانند؛ در رابطه زناشویی، چگونگی پول خرج کردن و کارهای منزل کمتر دچار اختلاف و تعارض می‌شوند.

مطالعات خارجی دیگر، حاکی از تأثیر مثبت مهارت‌های ارتباطی در حل تعارض خانوادگی است. پژوهشگرانی نظیر کریستنسن و شنک (۱۹۹۳)، ساندرز، هالفورد، و بهرنس (۱۹۹۴)، لارنس و برادبوری (۲۰۰۰)، شیلینگ و همکاران (۲۰۰۱)، هالفورد و همکاران (۲۰۰۱)، باتلر و وامپلر (۱۹۹۹)، یالسن کاراهان (۲۰۰۷) و کالین و سیوجیوک، (۲۰۰۹) استدلال می‌کنند که یکی از بهترین راه‌های تقویت رابطه همسران، آموزش مهارت‌های ارتباطی به زوجها است که به آنها کمک می‌کند تا تعارضات زناشویی خود را حل و فصل کنند.

مصرف مشروبات الکلی (استاک و بنکوسکی^۱، ۱۹۹۴؛ آماتو و راجرز^۲، ۱۹۹۳)، بیکاری و مسائل اقتصادی (تیز، ۲۰۱۵؛ دوو و دایکی، ۲۰۱۱؛ ماساریک^۳ و همکاران، ۲۰۱۴)، رابطه جنسی نامشروع توسط یکی از زوجین (سوئ و لیود، ۱۹۹۵؛ آماتو و راجرز، ۱۹۹۷) میزان ساعات کاری زنان در خارج از خانه و میل آنان به استقلال (ادوارد و فولر، ۱۹۹۲؛ داگلاس^۴، ۲۰۰۲؛ گرین استین و دیویس^۵ (۲۰۰۶) از عوامل دیگری است که پژوهشگران خارجی آنها را از جمله عوامل و زمینه‌های تعارض در خانواده دانسته‌اند.

در مرور نقادانه مطالعات داخلی باید گفت بیشتر مطالعات به صورت کمی است و کمتر مطالعه عمیقی درباره تعارض در خانواده به طور مستقیم صورت پذیرفته است. در مطالعات خارجی نیز عمده تعارض در خانواده بر عواملی مثل تعارض کار - خانواده متمرکز شده است و یا عوامل دیگری مثل روابط نامشروع یا مصرف مشروبات الکلی که برای تبیین تعارض در جامعه ما معنای کمتری دارد.

1 - Stack, S. & Bankowski E.
 2 - Amato, Paul R. & Stacy, J. Rogers
 3 - Masarik
 4 - Douglas. W. Allen.
 5 - Greenstein, Theodore N. & Shannon, Davis.

ادبیات نظری پژوهش

نظریه نظم خرد

نظریه‌های نظم بر تعاملات اجتماعی مبتنی است. نظریه‌پردازان این رهیافت در تحلیل خانواده و روابط خانوادگی بر تعامل ارتباطی تأکید می‌کنند؛ زیرا در این نوع تعامل حق و تکلیف و عاطفه مبادله می‌شود. تعامل بر اساس این دیدگاه دو وجه ابزاری و اظهاری دارد و روابط خانوادگی بر رابطه اظهاری یعنی نوع صمیمیت، اعتماد و تعهد مبتنی است. تعلق عاطفی و معاشرت پذیری اساس این رابطه را تشکیل می‌دهد. از طریق تعامل اظهاری است که نظم در "خانواده" شکل می‌گیرد. برای حفظ الگوی تعاملی و نظم اجتماعی خرد در خانواده حداقل چهار عامل مهم همفکری مشترک، همگامی مشترک، همدلی مشترک و همبختی مشترک نیاز است و عدم همفکری، همگامی، همدلی و همبختی مشترک در خانواده به تضاد و تعارض در خانواده منجر می‌گردد (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۵۲ - ۲۴۹).

نظریه مبادله

مطابق اصول اساسی این نظریه، هر گونه ارتباط با دیگران در حکم نوعی مبادله است. نظریه مبادله، سعی دارد نشان دهد که رفتار برحسب پاداشهایی که دریافت می‌کند و هزینه‌هایی که به همراه می‌آورد، تغییر می‌کند. رفتارهای مورد نظر در اینجا، رفتارهایی است که بین دو شخص تعامل ایجاد می‌کند؛ یعنی رفتارهایی که در آنها بین دو شخص تبادل وجود دارد و هر دو نفر پاداشها و هزینه‌های ناشی از این تبادل را محاسبه می‌کنند (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۱۸). پیتر بلاو^۱ (۱۹۶۴) بیان می‌کند همین که نخستین پیوندها برقرار می‌شود، پاداشهای متقابلی که این پیوندها برای اعضای گروه به ارمغان می‌آورد، باعث نگهداشت و تقویت آنها می‌شود. موقعیت عکس این قضیه نیز امکانپذیر است. با پاداشهای ناکافی، رشته همگروهی سست یا از هم گسیخته می‌شود. پاداشهایی که در این میان رد و بدل می‌شود، می‌تواند درون‌ذاتی (مانند عشق، محبت، احترام) یا برون‌ذاتی (مانند پول و کار جسمانی) باشد. طرفین همیشه نمی‌توانند پاداشهایی برابر به یکدیگر بدهند. هرگاه نابرابری در تبادل پیش آید، تفاوت قدرت در داخل گروه پدیدار، (ریتزر^۲، ۱۳۷۹: ۴۳۵) و سبب تعارض می‌شود. بعد از انجام گرفتن مبادله، اصولی بر مبادله حاکم است. طبق اصل عقلانیت و اصل مبادله به‌طور مثال، افراد در صورتی که در رابطه مبادله‌ای پاداشهای مورد

1 - Peter Michael Blau

2 - Ritzer

انتظارشان را دریافت کنند، رابطه ادامه می‌یابد و در غیر این صورت، رابطه مبادله‌ای منتفی می‌شود (مختاری، میر فردی و محمودی، ۱۳۹۳: ۱۳۴).

نظریه کالینز و کلترانس^۱

کالینز و کلترانس برای پاسخ دادن به اینکه چرا تضاد و خشونت در خانواده‌های امروزی روی می‌دهد، روی چهار عنصر اصلی جامعه شناختی تأکید می‌ورزند که عبارت است از:

۱ - حق مالکیت جنسی: نگرش سنتی پدرسالاری مبتنی بر این است که زنان از لحاظ اقتصادی، جنسی و احساسی، بخشی از دارایی شوهران خود به شمار می‌روند.

۲ - فشارهای اقتصادی: به نظر کالینز میزان تعارضات خانواده هنگام فشارهای اقتصادی افزایش پیدا می‌کند بویژه در میان طبقات پایین جامعه این عامل نقشی عمده ایفا می‌کند. چنین خانواده‌هایی، درک خیلی سنتی از نقشهای جنسیتی دارند و چنین می‌پندارند که شوهر به عنوان تأمین‌کننده اقتصادی و رئیس خانواده است.

۳ - انتقال بین نسلی تعارضات: شواهدی هست مبنی بر اینکه تعارضات خانواده از نسلهای قبلی به نسل بعد منتقل می‌شود.

۴ - کنترل اجتماعی: خانواده مکانی است که کمتر در معرض کنترل و نظارت اجتماعی قرار دارد بویژه در گذشته (در جوامع غربی)، که خانواده حریم خصوصی تلقی می‌شد و نهادهای پلیسی و قضایی اجازه دخالت در خانواده را به خود نمی‌دانند. در این صورت زنان و کودکان که قربانیان اصلی تضاد و خشونت خانواده بودند از دید عموم پنهان می‌مانند (عنایت و یعقوبی دوست، ۱۳۹۱: ۱۰).

روش پژوهش

روش این پژوهش از نوع روشهای کیفی، «روش نظریه مبنایی یا گراند نظری^۲» است. از نظر پارادایمی، تحقیق کیفی اصولاً بر پارادایم تفسیرگرایی - برساخت‌گرایی اجتماعی مبتنی است. منظور از نظریه مبنایی، نظریه‌ای برگرفته از داده‌هایی است که طی فرایند پژوهش به صورت نظام‌مند گردآوری و تحلیل می‌شود. در این راهبرد، گردآوری و تحلیل داده‌ها و نظریه‌ای که در نهایت از داده‌ها استخراج می‌شود در ارتباط نزدیک با یکدیگر قرار می‌گیرد و پژوهشگر به جای

1 - Collins &, Kltrans

2 - Grounded theory

اینکه مطالعه خود را با نظریه از پیش تصور شده‌ای آغاز کند، کار را با حوزه مطالعاتی خاص شروع می‌کند و اجازه می‌دهد که نظریه از دل داده‌ها پدیدار شود (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵).

مشارکت کنندگان این پژوهش را ۲۰ نفر از زوجهای شهر قائم‌شهر (در استان مازندران) در فاصله سنی بین ۲۳ - ۴۵ با سابقه حداقل پنج سال از زندگی مشترک تشکیل می‌دهند.

در پژوهشهایی که با استفاده از روش تحقیق کیفی انجام می‌شود، تعداد دقیق افراد نمونه از قبل مشخص نیست بلکه نمونه‌گیری در میدان تحقیق انجام می‌گیرد و پژوهش زمانی متوقف می‌شود که به اشباع نظری رسیده باشیم. در این پژوهش متناسب با راهبرد تحقیق، نمونه‌گیری به شیوه نمونه‌گیری نظری^۱ و هدفمند^(۱) بوده است که پس از مصاحبه با ۲۰ نفر اشباع نظری^۲ به دست آمد. شیوه محوری و اصلی برای گردآوری داده‌ها مصاحبه عمیق و باز بوده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش به صورت کدگذاری داده‌ها در سه سطح کدگذاری باز^۳، کدگذاری محوری^۴ و کدگذاری انتخابی^۵ صورت پذیرفت. در مرحله کدگذاری باز شناسایی، نامگذاری، توصیف و طبقه‌بندی داده‌ها صورت گرفت و در مرحله کدگذاری محوری مفاهیم و مقوله‌هایی که در مرحله کدگذاری باز شناسایی شده‌اند، در تجزیه و ترکیبی جدید به یکدیگر مرتبط شدند و نهایتاً در کدگذاری انتخابی پژوهشگران تلاش کرده‌اند تا بتوانند از دل داده‌ها الگوی تحلیلی را برای تعارض در خانواده استخراج کنند.

در ارزیابی عملی اعتبار در پژوهشهای کیفی، اتفاق نظر نیست (ایمان، ۱۳۸۹). این مطالعه برای دستیابی به اعتبار در این پژوهش جنبه‌های مختلفی مد نظر قرار گرفت. استاد راهنما به عنوان بازرس خارجی^۶ در تمامی مراحل پژوهش نظارت و راهنمایی داشته است. از روشهای دیگر اعتبارسنجی در روش کیفی اعتبار از طریق اعضا است. در این پژوهش نیز نتایج تحقیق به مصاحبه شوندگان برگردانده، و سپس با نظر آنها مطابقت داده شد.

یافته‌های پژوهش

پژوهشگران برای دستیابی به نظریه‌ای برآمده از ویژگیهای واقعی تعارض در خانواده

-
- 1 - Theoretical sampling
 - 2 - Theoretical Saturation
 - 3 - Open coding
 - 4 - axial coding
 - 5 - selective coding
 - 6 - External Audits

کوشیده‌اند تا با مصاحبه‌های عمیق و ممتد در ساختار درونی ارزشها و نگرشها و تجربه مصاحبه شوندگان تعمق کنند. در مرحله کدگذاری باز با هدف خرد کردن داده‌ها و مشخص کردن ویژگی و ابعاد آنها، درون یک مصاحبه کدهای زیادی استخراج شد که وقتی داده‌ها به طور مرتب مورد بازنگری قرار گرفت، کدهای جدید اصلاح، و کدهای نهایی مشخص شد. در مرحله بعد، مفاهیم براساس ارتباط با موضوعات مشابه طبقه‌بندی شد. در جدولهای شماره ۱ و ۲ کدگذاری باز و محوری آمده است:

جدول شماره ۱: کد گذاری باز داده‌ها

مقولات استخراج شده	مفاهیم
برآورده نشدن نیازها	زمانهای کمی رو باهم می‌گذرونیم؛ دوست داره بیشتر با دوستاش بره بیرون و تفریح؛ ما تو خیلی اوقات تو خونه هستیم ولی هر کی به کار خودش؛ خیلی وقتها انفرادی کارامونو انجام می‌دیم، خیلی وقتها صبحانه در کنار هم نخوردیم.
نارضایتی از روابط عاطفی و زناشویی	تقسیم وظایف تو خونه معنی نداره؛ در مورد مسائل زندگیمون مشورت هم بشه اجرا نمیشه؛ معمولا سیستم خونه ما شبیه خانواده همسرم اداره میشه، مردسالارانه است؛ خیلی ازم ایراد می‌گیره؛ منو با دیگران مقایسه می‌کنه؛ سردی رابطه مون خیلی چیزها رو تحت تأثیر می‌ده؛ احساس می‌کنم داره ازم دور می‌شه؛ توجهی که به بچه داره به من نداره؛ گاهی فکر می‌کنم تو خونه نامریی هستم؛ احترام زیادی برام قائل نیست؛ محبت شو طوری نشون می‌ده که زیاد دوست ندارم.
مسائل اقتصادی	می‌گه بریزوبپاش زیاد داری؛ یه وقتها که کم و کسری می‌آریم، درگیری مون بیشتر میشه؛ پای ثابت بحثهامون پول و خرج کردنه؛ من اهل پس انداز، اون دوست داره خرج کنه؛ تو خرج کردن اختلاف زیادی داریم.
دخالت اطرافیان	تا وقتی که حرف و حدیث نباشه، زندگیمون آرومه؛ دهن‌بینی؛ انگار دیگران برای زندگیمون تصمیم می‌گیرن؛ من جلوی خانواده همسرم تحقیر می‌شم؛ زندگیمون شده استرس؛ من همه کارام زیر ذربینه؛ حرف و حدیث این قدری که اکثراً باعث درگیری می‌شه؛ نمی‌دونم باید به چند نفر جواب پس بدم.
نبودن مهارت‌های ارتباطی	با من صادق نیست؛ منو درک نمی‌کنه؛ انگار دنیا مون باهم فاصله زیادی داره؛ سلیقه‌هامون از هم دوره؛ توقعاش بیجاست؛ سخت میشه باهاش حرف زد؛ نمیتونه درست حرف شو بزنه؛ طلبکارانه رفتار می‌کنه؛ دوست داره حرف خودش باشه؛ حرف و عملش یکی نیست؛ شاید قصد بدی نداره ولی لحن حرف زدنش همه چی رو به هم می‌ریزه؛ نمی‌دونه چطور با بچه رفتار کنه؛ دائم دارم می‌گم این کارو بکن، اون حرف رو زن؛ به حرفام خوب گوش نمی‌ده؛ به حرف رو به نفع خودش پیش می‌بره.
کاهش سرمایه اجتماعی درون خانواده	بهش شک می‌کنم؛ فکر می‌کنه الان یه چیزی می‌گم می‌خوام مجشو بگیرم؛ خیلی وقتها می‌برم؛ می‌خوام درست رفتار کنم ولی نمیشه؛ دلش خنک می‌شه منو با یه حرف بنشونه؛ من آتو می‌گیرم ازش تا دفعه بعد از خودم دفاع کنم؛ می‌دونه نقطه ضعف مو، سو استفاده می‌کنه؛ ساز مخالف؛ کارا رو جدا جدا پیش می‌بریم (هرکی سی خودش).
درگیریهای لفظی و جسمی	حرفاشو با داد و بیداد می‌زنه؛ پیش اومده که منو هم کتک زده؛ لحن حرفاش تحقیرآمیزه؛ معمولاً بحث ما می‌ره به داد و هوار و تو کی هستی و من کی.

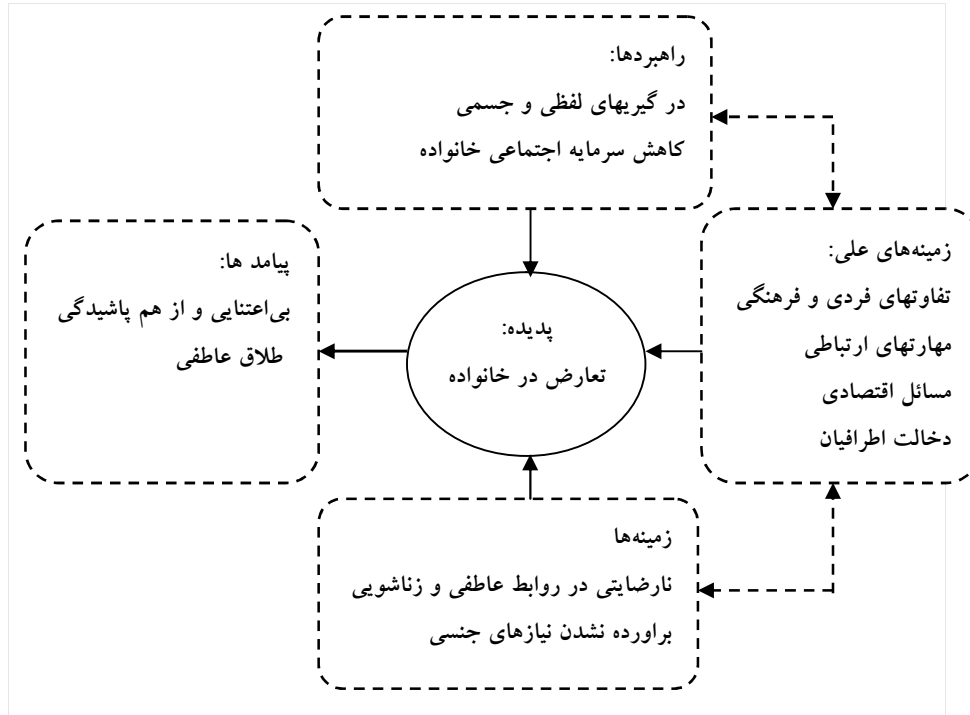
ادامه جدول شماره ۱: کد گذاری باز داده‌ها

مقولات استخراج شده	مفاهیم
طلاق عاطفی	هر کی برای خودش غذا می‌خوره؛ خونه که همش جنگ اعصاب باشه، دیگه آرامش نداریم؛ گاهی نمی‌دونم برای چی به این زندگی ادامه می‌دم؛ هرکی ساز خودش رو می‌زنه؛ دیگه براش مهم نیستیم؛ به خاطر بچه تحمل می‌کنم؛ تحمل ندارم؛ همش حرفا و کارای گذشته میاد وسط؛ تو رفت و آمدمون هم کاری به کار هم نداریم.
تفاوت‌های فردی و فرهنگی	این‌طور بزرگ‌شده؛ تو خونوادشم همین‌طوره؛ انگار پدرشه که جوون شده؛ به فکر چشم و هم‌چشمی؛ منو با دیگران مقایسه می‌کنه؛ فکر می‌کنه خیلی می‌فهمه؛ دوست داره خودش تنها بره، تفریحش از ما جداست؛ با رفیقاش باشه خوشه؛ دوست داره روش زندگی خونوادشو پیاده کنه؛ برای نظرم اهمیت زیادی قائل نیست؛ دوست داره نظرشو تحمیل کنه؛ این بی‌توجهی منو عذاب می‌ده؛ کارای خوبم رو یا نمی‌بینه یا ندید می‌گیره؛ توقعات بیجا.

کد گذاری محوری: در مرحله دوم تجزیه و تحلیل، مقوله‌های تولید شده در کد گذاری باز، بر اساس الگوی پارادایم با هم مرتبط شد. بر اساس کد گذاری محوری الگوی پارادایم ارتباط بین این مقولات به گونه‌ای شفاف نشان داده شده است.

جدول شماره ۲: کد گذاری محوری با مقوله اصلی، تعارض در خانواده

کد گذاری محوری	
تعارض در خانواده	مقوله کانونی
تفاوت‌های فردی و فرهنگی مهارت‌های ارتباطی مسائل اقتصادی دخالت اطرافیان	علتها
روابط عاطفی و زناشویی نارضایتی بر آورده نشدن نیازها	زمینه‌ها
درگیریهای لفظی و جسمی کاهش سرمایه اجتماعی خانواده	راهبرد
بی تفاوتی طلاق عاطفی	پیامد



نمودار شماره ۱: الگوی پارادایم تعارض در خانواده

کدگذاری انتخابی: هدف تئوری زمینه‌ای، تولید نظریه است نه توصیف صرف پدیده‌ها. برای تبدیل تحلیلها به نظریه، طبقه‌ها باید به طور منظم به یکدیگر مربوط شود. کدگذاری انتخابی (براساس دو مرحله قبلی کدگذاری) مرحله اصلی نظریه‌سازی است؛ به این ترتیب که طبقه محوری را به شیوه‌ای سامانمند به دیگر طبقه‌ها پیوند می‌دهد و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه می‌کند و طبقه‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارد، ویرایش و اصلاح می‌کند. در این مرحله پژوهشگر بر حسب فهم خود از متن پدیده مورد مطالعه یا چارچوب الگوی پارادایم را به صورت نظریه نهایی آن بیان می‌کند.

در این تحقیق علتهای تعارض در خانواده عبارت است از:

نبود مهارت‌های ارتباطی: زندگی مشترک تحت تأثیر عوامل متعددی قرار می‌گیرد که پاره‌ای از آنها ممکن است زوجین را به سمت اختلاف و درگیری، جدایی روانی و حتی طلاق سوق دهد. پژوهشهای مختلف نشان داده است که یکی از مهمترین عوامل مشکل‌زا، اختلال در ارتباط یا به

عبارتی اختلال در فرایند تفهیم و تفاهم است. هرچند ممکن است ارتباط ضعیف یکی از نتایج تعارض زناشویی باشد، نبود مبادله اطلاعات ممکن است خود حل اختلافات و تنشهای بین فردی را به تأخیر اندازد و احتمال دارد که ارتباط ضعیف و نارضایتی زناشویی همدیگر را تقویت کند. اغلب مشکلات زناشویی از نداشتن یا به کار نبستن مهارتهای ارتباطی ناشی می‌شود و توانایی حل مسئله از جمله مهارتهای سازنده‌ای است که می‌تواند مشکلات رابطه‌ای همسران را کاهش دهد. هم‌چنین آگاهی زوجین از طبیعی بودن اختلافها و تفاوتهای زن و شوهر و نگریستن به تعارض به‌عنوان یک مسئله و چالش برای حل کردن مشکل و نه عامل تهدیدکننده و زیانبار، می‌تواند در حل اختلافات آنها کمک بسزایی به شمار رود.

نارضایتی از روابط عاطفی و جنسی: رضایت زناشویی یکی از عوامل مهم مؤثر بر سلامت و از مهمترین شاخصهای رضایت از زندگی است که بر میزان سلامت روانی زوجین تأثیر می‌گذارد و متقابلاً نقش زیادی در کمتر شدن میزان تعارضات میان همسران دارد. همسرانی که به یکدیگر علاقه‌مند هستند، نیازهای یکدیگر را برآورده می‌کنند و بهتر می‌توانند مشکلات میان خود را حل و فصل کنند.

«راستش وقتهایی که همسرم از لحاظ روحی و عاطفی به من توجه می‌کنه... یا به رابطه خصوصی خوبی با هم داریم، این اثرش تا مدتی می‌مونه و خوب، کمتر بینمون مشکل پیش میاد» (یکی از مصاحبه شونده‌ها).

برآورده نشدن نیازها: نیاز به عشق ورزیدن، تنها دلیل ازدواج دو نفر نیست. طبیعی است که هر یک از زوجها نیازهایی دارند که در صورت عدم توجه، سبب بروز اختلافات جدی بین آنها می‌شود. زیرا هر یک برای رفع نیاز خود به طرف مقابل فشار می‌آورد و از اینجا تعارضات شروع می‌شود. آنها کم‌کم از تصویری که در دنیای آرمانی خود از همسرشان داشته‌اند، فاصله می‌گیرند و به همین دلیل است که زوجها گاه به یکدیگر می‌گویند: «تو با آن چیزی که من فکر می‌کردم، خیلی فاصله‌داری» و یا زمانی که یکی از زوجین از محل کار به منزل باز می‌گردد، احتمال افزایش رفتار تعارض‌آمیز زیاد است.

«به وقتهایی من نیاز دارم که تنها باشم؛ کارای خونه رو انجام ندم؛ با دوستانم باشم، ولی درکم نمی‌کنه؛ شروع می‌کنه که چیه؟ چی شده... منو پشیمون می‌کنه یا این قدر میگه و میگم تا بینمون دعوا میشه...» (یکی از مصاحبه شونده‌ها).

تفاوتهای فردی و فرهنگی: افراد هر یک برخاسته از خاستگاه خانوادگی منحصر به فرد هستند.

بیشتر پژوهشها به تأثیر تجربیات خانواده بر افراد تأکید می‌کند. اما مطالعات اخیر این نکته را آشکار می‌کند که ممکن نیست تجربیات هر فرد برای پیش‌بینی جریان روابط زناشویی کافی باشد؛ اما گهگاه این واقعیت غالب شده که روابط زناشویی محصول مشترک رفتار زوجین است تا رفتار یک فرد؛ زیرا شواهد بروشنی نشان می‌دهد که تجربه دوران کودکی، تحت تأثیر رفتارهای بزرگسالان در ارتباطات خانوادگی است به گونه‌ای که بزرگسالانی که روابط خوبی با پدر و مادر خود داشته‌اند، تمایل مثبتی در فرزندان برای ایجاد ارتباطات زناشویی مناسب به وجود می‌آورند (تالمان، ۲۰۰۳: ۱۰۳). روابط بین والدین در شکل‌گیری شخصیت افراد تأثیر می‌گذارد و بعدها الگوی رفتاری فرزندان در زندگی مشترکشان است. بنابراین اساس زندگی که حاصل جمع دو فرهنگ ناهمگون باشد، می‌تواند بسترساز اختلافات زیادی بین زوجین باشد.

«رفتارهای همسر من مثل پدرشه؛ یعنی انگار پدرشه که جوون شده؛ تو خونواده‌ای بزرگ شده که پدر حرف اول رو میزنه و همه باید تابع اون باشن؛ اما تو خونواده ما این طور نیست؛ همین رفتاراش منو عذاب میده؛ تحملش برام سخته...» (یکی از مصاحبه شونده‌ها).

«نمی‌دونه چطور باید با من رفتار کنه؛ با اینکه می‌دونه منو چه چیزهایی ناراحت می‌کنه ولی باز به رفتاراش ادامه میده؛ از اون بدتر اینه که نمیتونه ناراحتی منو بفهمه که چی میخوام و منو آروم کنه...» (یکی از مصاحبه شونده‌ها).

مسائل اقتصادی: بخش مهمی از اختلافات خانوادگی به مسائل اقتصادی باز می‌گردد. توقعات مادی زیاد، هزینه‌های بیجا، عدم مدیریت درآمد و هزینه، نظام خانواده را با مشکلات جدی روبه‌رو خواهد ساخت. از سوی دیگر، تجمل‌طلبی و غوطه‌ور شدن در مواهب مادی و احساس بی‌نیازی هم به رفتارهای ناسازگارانه می‌انجامد.

«به من میگه از دست خسته شدم؛ همش باید پول خرج کنم؛ تو هم که فقط بلدی پولای منو به باد بدی...» (یکی از مصاحبه شونده‌ها).

دخالت اطرافیان: هر چه افراد خانواده دخالت دیگران را در زندگی خویش پذیرا باشند، بیشتر بنیان خانواده را در معرض ازهم‌گسیختگی و انحلال قرار می‌دهند. دخالت اطرافیان باعث دلسردی افراد از زندگی می‌شود و تا جایی پیش خواهد رفت که سبک زندگی خانواده تحت سیطره دخالت اطرافیان پیش می‌رود و موجبات سلب آرامش و تعارضات پایدار بین خانواده‌ها، و تهدیدی جدی برای ادامه زندگی مشترک افراد می‌گردد.

«رفتار بعضی از افراد خونواده همسرم آزاردهنده است؛ پدرشوهر و مادر شوهرم خونین، البته

اگه خواهر شوهرام بذران؛ مخصوصاً آخری که همیشه تو زندگی ما موش میدوونه؛ واقعاً حرص منو در میاره...» (یکی از مصاحبه شونده‌ها).

درگیریهای لفظی و فیزیکی: زمانی که اختلافات شدت گرفت، سوء تفاهمهایی را ایجاد می‌کند. هر یک از زوجین سعی در دفاع از رفتار و بی‌گناه جلوه دادن خویش دارند و طرف مقابل را مقصر قلمداد می‌کنند. اینجاست که حرمتها کم‌کم شکسته، و به خشونت، درگیریهای لفظی، بدزبانی، تهمت و افترا و حتی ضرب و جرح منجر می‌شود.

«خوب بله درگیری که بین ما به وجود میاد، بیشتر لفظیه؛ خوب از بهانه‌های کوچیک شروع میشه؛ اون قدر کش پیدا می‌کنه و انگار ناراحتی‌های انباشته قبل هم مثل آوار ریخته می‌شه و خیلی وقتها درگیری به وجود میاد و خوب تا مدت‌ها اثرش باقی می‌مونه» (یکی از مصاحبه شونده‌ها).

کاهش سرمایه اجتماعی درون خانواده: در ساختار خانواده هنگامی که ارزشها و هنجارهای خانوادگی مورد احترام و عمل قرار نگیرد، خانواده دچار کاهش سرمایه اجتماعی می‌شود. زمانی که منافع فردی و نه خانوادگی حاکم می‌شود، روابط بین افراد خانواده مختل، و به بی‌اعتمادی، عدم مشارکت در امور زندگی و مدیریت صحیح و برنامه‌ریزی منجر می‌شود و در نهایت موجبات اختلال در نظم و کارکرد خانواده را فراهم می‌سازد.

«چی بگم وقتی اینطور میشه، نظم زندگیمون به هم میریزه؛ گاهی حس بدی بهم دست می‌ده، سعی می‌کنم بهش فکر نکنم» (یکی از مصاحبه شونده‌ها).

طلاق عاطفی^۱: زمانی که اختلافات شدت گرفت و طرفین در حل اختلافات به نتیجه نرسند، نسبت به یکدیگر بی‌اعتنا می‌شوند و هر یک روشی را که باب میل خویش است در پیش می‌گیرند که این مسئله با تعریفی که از ساختار خانواده وجود دارد، منافات دارد. بنابراین ارزشهای خانواده و اصولی که برایش تعریف شده است، نادیده گرفته می‌شود و پیامد زیادی برای خانواده و بویژه فرزندان‌شان به همراه دارد. بی‌اعتنایی درجاتی دارد با شدت گرفتن فاصله روابط، زوجین به اعلا درجه بی‌اعتنایی می‌رسد. در طلاق عاطفی شکل ظاهری خانواده حفظ می‌شود، ولی در واقع کانون خانواده از درون متلاشی می‌شود. در این حالت دیگر مانند سابق زوجین تعهدی در برابر وظایفشان نسبت به یکدیگر احساس نمی‌کنند؛ نسبت به یکدیگر سرد می‌شوند و در واقع با اجبار با یکدیگر به هر دلیلی که عمدتاً به دلیل داشتن فرزند است به‌طور رسمی از یکدیگر جدا نمی‌شوند.

برخلاف طلاق رسمی، که در آمارها منتشر می‌شود، طلاق عاطفی، پنهان است که نمی‌توان تخمینی از آن به دست آورد که شاید آمارش از طلاق رسمی نیز بیشتر باشد. این نوع از طلاق از جمله پیامدهای تعارض در خانواده است.

«ما فقط داریم می‌گذرونیم و تحمل می‌کنیم؛ به خاطر بچه... خونواده‌هامون قبول نمی‌کنن، وگرنه ما خیلی قبل‌تر جداشده بودیم... فقط زیر یه سقف هستیم ولی دنیاها مون از هم جداست» (یکی از مصاحبه شونده‌ها).

نتیجه‌گیری و بحث

افزایش فروپاشی و تعارض در خانواده از چالشهای اساسی خانواده معاصر است. بررسی اوضاع و زمینه‌ها نشان می‌دهد که عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سبب تعارض در خانواده می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مسائل و مشکلات اقتصادی در بروز مشکلات و تعارض در خانواده تأثیرگذار بوده است. بیکاری و نداشتن درآمد، درآمد کم، عدم ثبات شغلی و غیره ممکن است باعث فشار، دشمنی، تیرگی روابط زناشویی، بی‌ثباتی خانواده و تعارض در خانواده گردد. این یافته با نتایج پژوهشهای (تبز، ۲۰۱۵؛ دوو و دایکی، ۲۰۱۱؛ ماساریک و همکاران^۱، ۲۰۱۴؛ کینستون و هولمز، ۱۹۹۲ و مولینا (۲۰۰۱) مطابقت دارد. یافته‌های این بخش از تحقیق با نظریه کالینز و کلترانس همخوانی دارد، که عنصر فشار اقتصادی را در تضاد و تعارض خانوادگی مهم و موثر می‌دانند.

این تحقیق نشان داده است که دخالت نادرست اطرافیان در بروز تعارضات خانوادگی و نارضایتیهای زناشویی مؤثر است. مطالعات پیشین قاسمی و ساروخانی (۱۳۹۳)، باستانی و همکاران (۱۳۸۹)، عنایت و همکاران (۱۳۹۰) و ریاحی و همکاران (۱۳۸۶) مؤید این نکته است که دخالتهای نابجا بنیانهای خانواده را سست می‌کند.

هم‌چنین یافته‌های تحقیق حاکی است که نبود مهارتهای ارتباطی در ایجاد تعارضات خانوادگی نقش مهمی دارد. بسیاری از خانواده‌ها بدرستی نمی‌دانستند که چگونه باید در خانواده اظهار محبت کنند و آموزشی نیز درباره مهارتهای ارتباطی در خانواده ندیده بودند. همان‌گونه که پژوهشگران دیگر مثل کالین و سیوجیوک (۲۰۰۹)، چارلز، جونز و جیو^۲ (۲۰۱۴)، کالین و

1 - Masarik

2 - Charles, Jones & Guo

سیوجیوک (۲۰۰۹) و بهاری و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعات خود نشان داده‌اند، عدم بیان صمیمیت در خانواده به تنش در رابطه و نهایتاً تعارض منجر می‌شود. بر این اساس می‌توان بیان کرد آموزش مهارت‌های ارتباطی در بهبود و تقویت پیوند خانواده از جمله رضایت از رابطه، کیفیت رابطه، ارتباطات و حل تعارض در خانواده مؤثر خواهد بود.

این مطالعه نشان داده است که نارضایتی از روابط عاطفی و جنسی، تعارضات خانوادگی را تقویت می‌کند. برآورده نشدن نیازهای عاطفی و جنسی سبب می‌شود کم‌کم اعضای خانواده از هم فاصله بگیرند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های باستانی و همکاران (۱۳۸۹)، عنایت و همکاران (۱۳۹۰)، اوبری و همیلتون (۲۰۱۳) و مختاری و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی دارد. همان‌گونه که نظریه مبادله استدلال می‌کند، افراد خانواده در صورتی که در روابط مبادله‌ای خود، پاداش‌های مورد انتظارشان را دریافت نکنند، بنیان خانواده متزلزل می‌شود و سرمایه اجتماعی درون خانوادگی شامل هنجارها، شبکه‌های اجتماعی و روابط سالم بین اعضای خانواده رو به زوال خواهد رفت و خانواده با انواع درگیریه‌های لفظی، فیزیکی رو به رو خواهد بود و به تعبیر پل بوهانون^۱ (۱۹۷۰) طلاق عاطفی پدیدار خواهد شد.

یادداشت

۱ - به این ترتیب که پژوهشگر همزمان که داده‌هایش را گردآوری، کد گذاری و تحلیل می‌کند، تصمیم می‌گیرد که چه داده‌هایی را در مرحله بعدی گردآوری و آنها را از کجا پیدا کند تا بدین وسیله نظریه را هنگام شکل‌گیری تدوین کند. نظریه در حال تدوین، فرایند گردآوری داده‌ها را کنترل می‌کند.

منابع

- استراوس، آنسلم؛ کوربین، جولیت (۱۳۸۵). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها. ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات زنان.
- ایمان، محمد تقی؛ زنجری، نسیم؛ اسکندری پور، ابراهیم (۱۳۸۹). کند و کاو سیستم معانی ذهنی مصرف‌کنندگان موسیقی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. س ۳. ش: ۱۱۲ - ۸۵
- باستانی، سوسن؛ گلزاری، محمود؛ روشنی، شهره (۱۳۸۹). طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی. مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران. س ۱. ش: ۲۲ - ۸
- بهاری، فرشاد؛ فاتحی زاده، مریم؛ احمدی، احمد؛ مولوی، حسین؛ بهرامی، فاطمه (۱۳۹۰). تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباط همسران بر کاهش تعارض‌های زناشویی زوج‌های متعارض متقاضی طلاق. پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره. ش: ۱: ۷۱ - ۵۹.

- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم*. تهران: نشر نی.
- ریاحی، محمد اسماعیل؛ علی وردی‌نیا، علی‌اکبر؛ بهرامی کاکاوند، سیاوش (۱۳۸۶). تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق زن در توسعه و سیاست. س ۵. ش ۳: ۱۴۰ - ۱۰۹.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۹). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- صادقی فسایی، سهیلا؛ ملکی پور، زینب (۱۳۹۲). تحلیل جنسیتی فاصله در روابط زوجین: مصادیق و زمینه‌های شکل‌گیری. *فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*. س ۱۲. ش ۴: ۲۸ - ۱.
- عنایت، حلیمه؛ یعقوبی دوست، محمود (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین تعارض زناشویی با خشونت خانوادگی نسبت به دختران. *فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه*. س ۳. ش ۳: ۲۹ - ۱.
- عنایت، حلیمه؛ دسترنج، منصوره؛ سلمانی، فائزه (۱۳۹۰). بررسی عوامل مرتبط با اختلافات خانوادگی. *فصلنامه علمی پژوهشی جامعه‌شناسی زنان*. س ۲. ش ۱: ۱۹ - ۱.
- قاسمی، علیرضا؛ ساروخانی، باقر (۱۳۹۲). عوامل مرتبط با طلاق در زوجین متقاضی طلاق توافقی (شهرستان کرمانشاه). *مطالعات علوم اجتماعی ایران*. س ۱۰. ش ۳۹: ۸۷ - ۶۹.
- گزارش سازمان ثبت احوال کشور (۱۳۹۴).
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). *پیامدهای مدرنیته*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.
- مختاری، مریم؛ میر فردی، اصغر؛ محمودی، ابراهیم (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان گرایش به طلاق در شهر یاسوج. *جامعه‌شناسی کاربردی*. س ۲۵. ش ۱: ۱۵۷ - ۱۳۱.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*. قم: جامعه مدرسین قم.
- امینی، عبدالحسین (۱۳۶۶). *الغدیر فی الكتاب السنه و الادب*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- لانگ، لین؛ یانگ، مارک (۲۰۰۷). *درمان مسائل زن و شوهری*. ترجمه علی محمد نظری، جواد خدادادی، مسعود اسدی، کبری ناموران و حسین صاحب‌دل. تهران: انتشارات آواری نور. ۱۳۹۲.

- Amato, Paul R. Previti, Denise (2003). People's Reasons for Divorcin Gender, Social Class, the Life Course, and Adjustment. **Journal of Family Issues**. vol. 24 no. 5 602-626.
- Auberry Hamilton, Kristen (2013). the Effects of Marital Conflict and Marital Environment on Change in Marital Status, Theses and Dissertations, Family Sciences Family Sciences, University of Kentucky UKnowledge.
- Callian, T. & Siewgeok, L. (2009). A study of marital conflict on measures on social support and mental healt sunway university collage.
- Carrere,Sybil.Mordechal Gottman,John (1999). Predicting Divorce among Newlyweds from the First Three Minutes of a Marital Conflict Discussion, **Department of Psychology, University of Washington**, Seattle WA.
- Charles, Pajarita. Jones, Anne. Guo, Shenyang (2014).Treatment effects of a relationship+strengthening intervention for economically disadvantaged new parents, **Research on Social Work Practice**.
- Claudia Verónica Sánchez+Castillo (2012). Satisfaction in the relationship between family and work of working women, **Revista medical Instituto Mexicano Del Seguro Social**; 50(2):135-40.

- Cummings, E mark. J Koss, Kalsea.Davies, Patrick T (2014). Prospective Relations between Family Conflict and Adolescent Maladjustment: Security in the Family System as a Mediating Process, *Abnormal Child Psychology*. *Journal of Abnormal Child Psychology*, Aug 19.
- Cummings, E. M., Davies, P. T., & Campbell, S. B. (2000). **Developmental psychopathology and family process: Theory, research, and clinical implications**. New York: Guilford Publications, Inc.
- Dew, Jeffrey. Dakin, John (2011). Financial Disagreements and Marital Conflict, *Journal of Financial Therapy*, Volume 2, Issue 1 Article 7
- Fincham, Frank D.Beach, Steven R.H (1999). Conflict in Marriage: Implications for Working with Couples, *Annu. Rev. Psychol*, 50:47:77
- Giddens, Anthony. (2003) **Runaway World: How Globalisation is Reshaping Our Lives**.Routledge, New York.
- Gottman, J, Driver, J, & Tabares, A. (2002). **Building the sound marital house: An empirically derived couple therapy**. In Alan S. Gurman and Kitson Gay C., Holmes William Michael (1992). **Portrait of divorce: Adjustment to marital breakdown. Perspectives on marriage and the family**. Guilford Press.
- Markman, H. J. Stanley S. & Blumberg, S. L. (1994) **Fighting for your marriage: Positive steps for preventing divorce and preserving a lasting love**. San Francisco, CA: Jossey+Bass
- Marks, Stephen r. (1989) toward a systems theory of marital quality, *Journal of marriagee and the family*. 51:15:26
- Masarik, April S. Conger, Rand D. Martin, Monica J. Ferrer,Emilio (2014) Intergenerational Transmission of Romantic Relationship Risk and Resilience to Economic Pressure, *society for Prevention Research 22nd Annual Meeting* 05.
- Molina, Olga (2001). African American Women's Unique Divorce Experiences. *Journal of Divorce & Remarriage*. Volume 34, Issue 1:2. 131:141
- Talman, Irving (2003) **life course** Parental Identification, Couple Commitment, and Problem Solving, among Newlyweds, Hand book Publisher New York: **Kluwer Academic/Plenum Publisher**.
- Tam, C. L. Lee, T. H. Foo, Y. C. & Lim, Y. M. (2011). Communication Skills, Conflict tactics and Mental Health: A Study of married and Cohabiting Couples in Malaysia, *Journal of Asian Social Science*, **Tier C Journal** 7(6):79:87
- Tebes, Juan Manuel (2015) **Contextual Factors and Environmental Differences Between Couples Divorce Compromised and not Compromise**,University of Buenos Aires, Vol. 1: 7:10`